

نشست علمی تخصصی هنر، معماری و شهرسازی عصر پنجشنبه‌ها

محل برگزاری: سالن اجتماعات مهندسين مشاور هرم پی

زمان: پنجشنبه ۹ خرداد سال ۱۳۹۸

عنوان: آب‌های زیر زمینی ایران - مستند سینمای تالان

سخنرانان: دکتر احمد کامیابی مسک، مهندس انوش نوری اسفندیار و محمدصادق دهقانی

چکیده‌ای از سخنرانی‌ها:

سخنران اول: احمد کامیابی مسک

آقای دکتر کامیابی مسک در ابتدا سخنرانان را معرفی کردند: جناب آقای مهندس انوش نوری اسفندیاری که درباره ایشان بسیار دیده و شنیده‌ایم و افتخار ایران هستند. ایشان متولد ۱۳۳۲ در گرگان می‌باشند و دبیر اندیشکده تدبیر آب‌های ایران هستند و مقالات، سخنرانی‌های زیادی داشتند، رزومه ایشان بسیار جامع و فعال است و من از طریق آقای دهقانی با ایشان آشنا شدم.

آقای محمدصادق دهقانی متولد بیرجند، دانش آموخته ادبیات نمایشی از هنرهای زیبا از دانشگاه تهران، تهیه کننده بیش از ۲۰ فیلم کوتاه و مستند و داستانی هستند. کارگران بیش از ۱۵ فیلم، ایده‌پرداز، نویسنده و عکاس اولین دارنده نمایشگاه هنر ترکیبی با شیوه عکس و سخنرانان اشخاص داخل عکس بوده‌اند. ۶ نمایشگاه انفرادی در شهرهای ایران، برنده پیش از ۴۰ جایزه از جشنواره‌های ملی و بین‌المللی، جوان برتر کشور در رشته فیلم در سال ۱۳۸۹، چهره فرهنگی سال ایران به انتخاب اتاق ایران، وزارتخانه و نهادهای مربوط در روز آب در سال ۱۳۹۷ هستند. ایشان مدرس سینما در انجمن سینمای جوانان ایران و طراح جشنواره بین‌المللی فیلم دانشگاهیان ایران، عضو پیوسته انجمن مستندسازان سینمای ایران و نویسنده و راوی بیش از ۳۰ فیلم مستند ایران بوده‌اند.

دکتر کامیابی مسک: من در کنار کویر لوت به دنیا آمدم و آنجا بزرگ شدم و ما در تابستان حداقل ۳ ماه آب آب انبارها را می‌خوریم

که از باران‌های بهاری و زمستان جمع می‌شد و منبع آب دیگری وجود نداشت. در کنار این شهر رودخانه‌ای بود که کمی آب داشت و این آب می‌رفت به سمت دو روستا که میوه‌های بسیار خوبی می‌داد که در آن زمان آن میوه‌ها اصلاً به تهران نمی‌آمد و همان اطراف پخش می‌شد. بچه‌ها دور قنات‌ها جمع می‌شدند و قنات‌ها را لایروبی می‌کردند که وضعیت آب بهتر شود.

در کودکی کنجکاو بودم که ببینم آب از کجا می‌آید و وقتی آب به سطح زمین می‌رسید مردم در اطراف آن، دیوار گلی می‌ساختند و با درختان سپیدار رویش را می‌پوشاندند که بخار نشود و اینان تجربه‌هایی بود که آن زمان داشته‌ام.

کتابی است که موضوع آن درباره دوتا خارجی یک خانم و یک آقای است که آمده‌اند در ایران مطالعه کردند و مثل همیشه دقت این افراد بسیار عجیب است و شناخت آنها از تمام کویرهای ایران و وضعیت ایران، به خصوص معماری ساختمان‌های گلی اطراف کویر لوت و کویر نمک و... در این کتاب است که توضیح کامل داده شده است. نام این کتاب آبادانی بیابان: بناهایی برای زیستن در فلات ایران که تالیف الیزابت بیزلی و مایکل هاروسن است و ترجمه مهدی گلچین عرفی و نگار صبوری می‌باشد. این کتاب از زاویه‌های گوناگون به سبک معماری و نوع هماهنگی این خانه‌ها با محیط بیابان در فلات ایران می‌پردازد. این کتاب درباره زندگی «با» بیابان است و نه «در» بیابان. با شهرها و روستاهای حاشیه بیابان و واحه‌ها سروکار دارد و نه با گذرندگان از بیابان و زندگی بیابان گردان. شاید بگویند مانند این است که کتابی درباره بندرها و اسکله‌ها و جزیره‌ها باشد و نه کشتی‌ها و دریانوردانی که از دریا می‌گذرند. روش‌های ساخت بناها در سرزمین‌های خشک، که گِل ماده اصلی است، مشترکات بسیار دارد، امیدواریم این کتاب به کار کسانی بیاید که در چنین مناطقی در سایر نقاط جهان کار می‌کنند. از سوی دیگر، این کتاب برای کسانی که ایران را می‌شناسند و دوست دارند هم خاطره‌انگیز خواهد بود.

در کتاب حاضر، موضوع سنت بومی‌ای است که در بستر زندگی در زیستگاه‌های خرد و کلان ایران پا گرفته و از قضا بیشتر در بناهایی خودنمایی می‌کند که از دایره مطالعات تاریخی معماری به کنار مانده‌اند، سخن از بناها و سنتی ویژه در معماری است که حیات در این سرزمین

کم و بیش بیابانی با آب‌وهوای خشک و خشن بدان وابسته است. فهم چشمگیر ایرانیان در زندگی در این زمین خشک پرداخته هزاره‌هاست، و نه قرن‌ها. آنچه نشانه نبوغ نادر اینان است، نه ممکن کردن زندگی که بسیار فراتر از آن، ساختن تمدنی است درخشان و خیال‌انگیز در این اوضاع سخت طبیعی. علاوه بر کویرها و بیابان‌ها که در فلات ایران وجود دارند که البته یکی از گرم‌ترین نقاط کره زمین در کویر لوت است که برای گردشگران بسیار جذاب می‌باشد. حالا ما با اینکه کمبود آب داریم، باد هم زیاد داریم و این بادهای موسمی به خصوص باعث بخار شدن آب‌های روی زمین می‌شوند.

باد زمین را خشک نگه می‌دارد و اوضاع را سخت‌تر می‌کند. جهت قالب این باد در بسیاری از جاهای فلات شمالی و جنوبی است. بادهای ۱۲۰ روزه در ماه‌های تابستان در خراسان و سیستان می‌ورزد. شدت این بادهای در مقیاس ۱۲ گانه شدت باد در بیشتر مواقع ۹ و گاهی در حدود ۱۲ است.

چندان جای تعجب نیست که این باد را باد سیاه و باد گاوکش لقب داده‌اند. بیشترین شدت وزش این باد همزمان است با گرما و کرختی بعدازظهر وقتی که مردان خسته به خانه می‌آمدند تا خستگی خود را از بین ببرند. موضوع آب را موضوع مرگ و زندگی ساخته است. بارش سالانه در بیشتر جاهای فلات کمتر از ۱۲۶ میلیمتر است و سطح زمین را می‌شوید و می‌برد. برداشت محصول که بتوان به آن تکیه کرد نیازمند فنون ویژه آبیاری است، به همین سبب کشاورزان ایران مهارت‌های ویژه‌ای در تقسیم آب و سرسختی چشمگیری در دفاع از حق آب خود به دست آورده‌اند. روش‌های آبیاری از هزاران سال پیش وجود داشته خیلی حیرت‌انگیز بود که چگونه سعی کردند از آب استفاده کنند و روی بخار شدن آب و هدر رفتن آب را بگیرند.

در این زمان فیلمی پخش خواهد شد به کارگردانی آقای محمدصادق دهقانی

مختصری چند در مورد فیلم تالان

این فیلم ابتدا با توضیحی در مورد آب‌های زیرزمینی و سرانه جهانی استفاده از آب‌های زیرزمینی در ایران و جهان آغاز شد. در این مورد گفته شد که سرانه استفاده بین ۲۰ تا ۴۰ درصد در شرایط بحرانی و خشکسالی است و متوسط استفاده ایران ۹۰ درصد است که در این بین استان‌ها و شهرهای پر آب ناحیه کناری دریای خزر و جنوب غربی نیز مورد نظر قرار می‌گیرد. بیشترین مقدار مصرف در بخش مرکزی و شرقی کشور است که این میزان در استان خراسان شمالی ۱۳۰ درصد است. برای حفظ و استفاده از منابع تجدیدپذیر لازم است سرانه جهانی مورد توجه قرار گیرد در غیر این صورت این منبع به عنوان منبع تجدیدپذیر نمی‌تواند خود را دوباره احیا کند. تکیه فیلم با متمرکز شدن بر روی مشکل ورشکستگی آب در استان خراسان است و موارد ضربه‌زننده به این مهم را از ۵۰ سال پیش تا به حال مورد بررسی قرار داده است. عمده این مشکلات به اختصار به شرح زیر است:

— قطعه قطعه شدن زمین به اجزای کوچک‌تر بعد از تقسیم اراضی در دوران پهلوی

— نبود کارشناس‌ها و متخصصین آب

— حذف مشارکت مردم در تهیه و بدست آمدن آب و حکومتی شدن پخش آب

— بهره‌برداری بیش از اندازه و حفر چاه‌های جدید بعد از معرفی دشت‌ها به عنوان دشت ممنوعه

— آبیاری نامناسب کشاورزان

— تصویب و وضع قانون حل بالاتکلیفی چاه‌ها در سال ۱۳۸۵

— عدم مدیریت درست و به جای آب‌ها زیرزمینی و همچنین عدم توجه کافی مصرف‌کنندگان عادی

همچنین به این نکته نیز پرداخته شد که بی‌آبی و خشکسالی تام در روستاها و ده‌ها موجب تخلیه کامل بسیاری از روستاها و آبادی‌ها در ایران و خصوصاً خراسان شده است. همچنین مسئله مهاجرت روستاییان به شهرها موجب افزایش حاشیه‌نشینی می‌شود که در پی آن انواع بزهکاری و فساد گسترده می‌شود. و همزمان کرامات انسان‌ها و شخصیت آنها مورد تعرض قرار می‌گیرد. این عوامل نیز با نتایجی که نشان داده شد یکی از علل مهم آغاز جنگ سوریه معرفی شد.

در آخر گفته شد که بخش‌های بسیاری همچنان وجود دارد که در حال سپری کردن لحظات طلایی خود هستند و می‌توان این بخش‌ها را با مدیریت و توجه مناسب احیا و نجات داد.

این فیلم در حدود یک ساعت در اندیشکده هرم پی پخش شد.



سخنران دوم: مهندس انوش نوری اسفندیاری

این موضوع با توجه به اینکه ما از دوره‌ای صحبت می‌کنیم که براساس یک سال و یک ماه نمی‌توانیم صحبت کنیم. شاید این تخصص من نیست و شاید اقلیم شناسان و کارشناسان منابع آب بگویند رشته من اقتصاد آب است و تجربه من در سال‌های اخیر بیشتر در زمینه حکمرانی آب می‌باشد. اما با همان الف بایی که بلد هستیم این را می‌گوییم اساساً یک سال و یک ماه دوره نام‌گذاری نمی‌شود. اما یک فرصت‌طلبی‌هایی در این وسط پیش می‌آید که طبیعتاً به زودی روشن می‌شوند، که اشتباه است. همچنین ما متکی هستیم به منابع آب زیرزمینی و هرچه بیشتر می‌گذاریم وابسته می‌شویم. همان طوری که اول فیلم گفته شد ۶۰ درصد دریافت ما از منابع آب، در شرایط عادی، از آب‌های زیرزمینی است. در شرایط خشکسالی زمانی که جریان‌های سطحی کمتر می‌شود تکیه‌مان بیشتر از ۹۰ درصد بر آب‌های زیرزمینی است. باید دید این بارش‌ها چه تأثیری روی منابع آب زیرزمینی داشته است. طبیعتاً ما حدود ۱۳۰ میلیارد متر مکعب از مخازن ثابت آب زیرزمینی برداشت کردیم که دو بخش هم دارد بخش دینامیکی است که سالانه تجدید می‌شوند و بالا و پایین می‌رود و بخشی که ثابت است و طی هزاران سال شکل گرفته است به این آسانی‌ها جایگزین نمی‌شود. در خیلی از دشت‌ها ما در عمق ۳۰۰ یا ۴۰۰ متر سطح ایستایی پایین رفته و تقریباً رابطه بین جریان آب‌های سطحی و آب‌های زیرزمینی قطع شده است. این نوع بارش‌ها به این آسانی در زمین نفوذ نمی‌کنند که بتوانند تأثیر زیادی روی آب زیرزمینی بگذارند. برای فهم این تأثیر، چاه‌هایی به نام چاه‌های مشاهده وجود دارد که وزارت نیرو در نقاط مختلف ایران برای مشاهده سطح آب‌های زیرزمینی دارد و باید اعلام کند که بارش‌ها چه تأثیری روی نوسانات سطح آب داشته‌اند.

سدهایی که ساخته‌ایم از یک اصل اقتصادی پیروی می‌کند و اصل کاهش بازده است. یعنی سدهایی که اولین بار در دوران پهلوی ساخته شده بازدهی آنها از نظر ذخیره‌سازی و تنظیم آب زیاد بوده و سدهای بعدی تأثیرشان تقریباً به صفر نزدیک شده و هر چه سدهای بیشتری بسازیم آب زیادی را ذخیره نمی‌کنند.

من مقاله‌ای در سال ۶۸ در اولین کنفرانس سدسازی دانشگاه شهید بهشتی تحت عنوان مسائل سدهای بزرگ ارائه دادم که در آنجا مشخص کردم بیشتر منابع آب ما با ۵۰ سال که در دوران شاه زده شده است تقریباً تنظیم کردیم. بعد از آن سدها به لحاظ بازدهی اقتصادی به آن مرحله منحنی رسیدند که کاهش بازده داشتند. لذا باز هم کماکان من برآورد این است که منابع آب زیرزمینی، منابع اصلی ما هستند و باید به هر طریقی شده پایداری کشور را براساس پایداری مدیریت منابع آب زیرزمینی حفظ کنیم و این کار خوب این تیم در واقع یک استثنا است در فضایی که سازمان‌های مردم نهاد همگی روی سدسازی و منابع آب سطحی توجه دارند و توجه را جلب می‌کند به مسئله اصلی در کشورمان که در واقع آب‌ها زیرزمینی است و ما از این جهت کار آقای دهقانی را واقعاً قابل ستایش می‌دانیم.